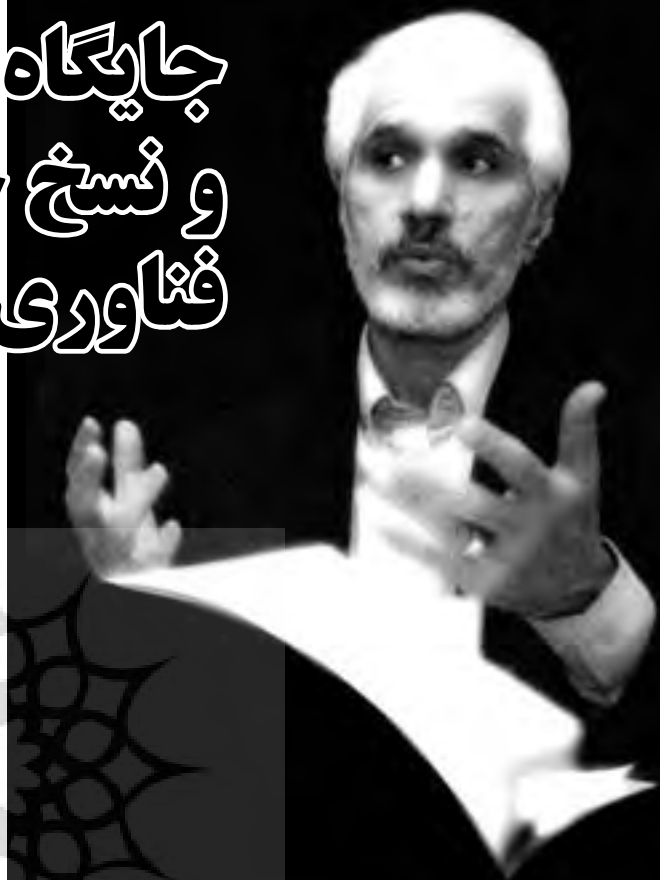


# جایگاه آرشیو، اسناد و نسخ خطی در عصر فناوری اطلاعات

در گفت‌وگو با  
دکتر فدایی عراقی



• فریبا افکاری

دانشجوی دکتری کتابداری دانشگاه تهران

■ لطفاً از چگونگی آشنایی خود با حوزه کتابداری و نسخه‌های خطی توضیح بفرمایید؟

□ در ارتباط با اینکه بنده از کجا به نسخ خطی علاقه‌مند شدم باید عرض کنم که تا آنجایی که به خاطر دارم از دوران دبیرستان به بعد، من واقعاً به ادبیات فارسی و ادبیات عربی علاقه‌مند بودم بویژه زمانی که بنده از اراک به مشهد رفتم مصادف بود با فوت مرحوم آیت‌الله بروجردی و حرکت انقلاب اسلامی. از آن زمان سبب شد که من به مسائل دینی بیش از پیش علاقه‌مند شدم، پس از اخذ دیپلم مدتی ترک تحصیل داشتم که هم تدریس می‌کردم و هم در حوزه‌های علمیه رفت و آمد داشتم و در دروس حوزوی شرکت می‌کردم.

■ شما دارای تحصیلات حوزوی هم هستید؟

□ بله بدون اینکه رسماً طلبه باشم به دروس اسلامی علاقه‌مند شدم و در دروسی چون شرح لمعه و مانند آن نیز شرکت می‌کردم.

■ در حوزه علمیه مشهود؟

□ بله در حوزه علمیه مشهود. شما توجه دارید که اکثر کتب قدیمی ما نسخ خطی یا به هر حال چاپ سنگی بود و باتوجه به اینکه حواشی فراوانی داشتند و بنده هم چون علاقه‌مند

آقای دکتر غلامرضا فدایی عراقی، متولد ۱۳۲۴ در شهرستان اراک است. وی دارای مدرک کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی و کارشناسی ارشد و دکتری کتابداری و اطلاع‌رسانی است. ایشان سال‌ها است که عضو هیأت علمی گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه تهران است و تألیفاتی چند در این حوزه نگاشته‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به حیات علمی در عهد آل بویه، کتاب و کتابخانه، مدیریت و توسعه فرهنگی، مقالاتی پیرامون کتابخانه‌های مجالس دنیا، مقدمه‌ای بر شناخت اسناد آرشیوی و مدیریت کتابخانه و نظام اطلاع‌رسانی اشاره کرد. ایشان علاوه بر فعالیت‌های علمی و پژوهشی، مدتی نیز به نمایندگی مجلس شورای اسلامی اشتغال داشته‌اند. به بهانه پیشنهاد ایجاد «گرایش مدیریت آرشیو، اسناد و نسخ خطی» در دوره دکتری کتابداری در سال ۱۳۸۴ از سوی ایشان و تصویب و حمایت آن توسط اساتید محترم گروه کتابداری دانشگاه تهران برای نخستین بار در سطح کشور و هم‌چنین مسائل مربوط به حوزه کتابداری و مدیریت اطلاعات با ایشان به گفت‌وگو نشستیم.

امید است که نتیجه برآمده از پرسش و پاسخ‌های این گفت‌وگو بتواند مورد توجه و استفاده کتابداران و محققان علاقه‌مند به حوزه کتاب و کتابخانه قرار گیرد.



بودم سعی می‌کردم که آن‌ها را بخوانم. همان‌طور که گفتیم در مدارس اسلامی مشهود تدریس می‌کردم. حتی من بعضی از دروس عربی را نیز درس می‌دادم و همه این‌ها زمینه‌ای شد تا من به ادبیات فارسی و عربی بیش از پیش علاقه‌مند شدم به طوری که موقعی که می‌خواستم ادامه تحصیل بدهم، باوجود اینکه دیپلمه ریاضی بودم ترجیح دادم با توجه به شرایط آن زمان به علوم انسانی بروم.

#### ■ رشته دانشگاهی شما چه بود؟

□ من در کنکور لیسانس دو رشته قبول شدم زبان انگلیسی و ادبیات فارسی، ولی در حالی که در ادبیات فارسی هم نمره خوبی آورده بودم و می‌خواستم به آن رشته بروم، رشته زبان انگلیسی را انتخاب کردم. اما هم به لحاظ علاقه‌مندی به مسائل دینی و هم فرهنگ و تمدن اسلامی به آثار قدما و نسخ خطی بیش از پیش توجه می‌کردم و سال به سال هرچه بیشتر غور می‌کردم علاقه من بیشتر می‌شد. بد نیست در اینجا به یک نکته اشاره کنم و آن این است که به نظر من این دو مقوله اعتقاد و تمدن به نوعی با یکدیگر عجین‌اند. بسیاری افرادی که به میراث باستان ایران اسلامی تنها از جنبه تمدن عنایت دارند، ولی من می‌خواهم این را عرض کنم که اگر آن اعتقاد و ایمان افرادی که تمدن را می‌آفرینند نبود هیچ تمدنی بوجود نمی‌آمد. در تمام جهان و در میان تمام تمدن‌ها و ملت‌ها از غربی و شرقی گرفته تا خاور دور مثل چین و ژاپن همگی برای خلق آثار عظیم معماری در ابنیه و معبد‌های زیبا و کلیساهای کهن

یا آثار دیگری را که بصورت کتیبه نوشته‌اند همگی نشان از یک اعتقاد عمیق سازندگان آن دارد. واقعاً آن اعتقاد عمیق بوده که این تمدن‌ها را بوجود آورده است. به نظر من این توأمانی جالب توجه می‌باشد، درست است که مردم به فرهنگ و تمدن می‌بالند، اما به سازندگان و بوجود‌آوردگان تمدن، یعنی عاشقان علم، فرهنگ، دین و هنر که با از خودگذشتگی و ایثار خلق آثار می‌کردند هم باید توجه شود. البته بوده‌اند و بسیار هم بوده‌اند افرادی که برای پول کار و هنرآفرینی می‌کرده‌اند، ولی من فکر می‌کنم شاهکارهای هنری و علمی و مانند آن مربوط به کسانی است که خود عاشق کار خود بوده‌اند و به بیانی اعتقاد داشته‌اند و یا دست‌کم آن‌هایی که این افراد را اجبر می‌کرده‌اند به خلق آثار هنری اعتقاد داشته‌اند و هر کار سطحی را نمی‌پذیرفته‌اند. اگر به بعد از انقلاب اسلامی هم نگاه کنیم، کسانی را می‌یابیم که با اعتقاد عمیق درباره فرهنگ و تمدن اسلامی کار می‌کنند و این‌ها هستند که اثر آفرین می‌شوند و در تاریخ مورد توجه قرار می‌گیرند. اگر ما به میراث گذشتگان اعتقاد داریم باید از هر دو جهت یعنی هم جنبه تمدن و هم اعتقاد به این تمدن عنایت داشته باشیم، یعنی مثلاً به آن اعتقاد عمیقی که در ورای ظاهر آراسته نسخ خطی و آثار معماری خودمان به چشم می‌خورد، توجه داشته باشیم.

■ بعد از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه مشهد در چه رشته‌ای ادامه تحصیل دادید؟

□ بعد از اینکه لیسانس را در دانشگاه مشهد تمام کردم به

## کتاب‌شناسی توصیفی کتاب‌های اسلامی، عنوان پایان‌نامه کارشناسی ارشدم بود که بررسی مراجع مذهبی است و با استاد دکتر سید جعفر شهیدی انجام دادم

تهران آدمم و برای انجام خدمت سربازی به شیراز رفتم. از قضا برای ادامه خدمت سربازی به صحنه دانشگاه و وزارت علوم راه یافتم، آن زمان من در مدرسه عالی بازرگانی در تهران خدمت می‌کردم و بعد در اواخر دوره سربازی برای فوق‌لیسانس اقدام کردم و تصمیم گرفتم در دو رشته امتحان بدهم. در هر دو رشته هم قبول شدم، یکی زبان انگلیسی و دیگری کتابداری. کتابداری هم به خاطر این بود که یکی از اساتیدمان در دوره لیسانس در مشهد که رئیس دانشگاه وقت بود و به ما درس ترجمه انگلیسی می‌داد اصرار داشت که ما به رشته کتابداری برویم و می‌گفت که کتابداری در دنیا رشته نویی است و آینده خوبی دارد.

### ■ نام ایشان چه بود؟

□ دکتر فریار که یک کتابی هم تحت عنوان مردم‌شناسی دارد. علاوه بر آن یکی از دوستان من که الان در کرمانشاه هستید به نام آقای حسن منتصب‌مجابی که زودتر از من در رشته کتابداری شرکت کرده و قبول شده بودند با توجه به آشنایی ایشان با من و روحیات من سخت اصرار داشتند که حتماً من این رشته را ادامه دهم و این عوامل دست به دست هم داد تا من رشته کتابداری که همان کتابداری و اطلاع‌رسانی امروز است را بخوانم.

من در سال ۵۱-۵۲ در دانشگاه تهران قبول شدم و چون شاگرد ممتاز بودم، از سوی مرکز خدمات کتابداری آن زمان از من دعوت به کار شد. من در همان زمان مشغول به کار شده و فوق‌لیسانس خودم را در سال ۵۴ گرفتم.

### ■ عنوان پایان‌نامه شما چه بود؟

□ کتاب‌شناسی توصیفی کتاب‌های اسلامی، عنوان پایان‌نامه کارشناسی ارشدم بود که بررسی مراجع مذهبی است و با استاد دکتر سید جعفر شهیدی انجام دادم.

### ■ آیا منتشر شده است؟

□ بله بعداً تکمیل شد و تعداد آن به هزار جلد کتاب گزیده اسلامی در سطوح مختلف تحصیلی از دوره دبستان تا دانشگاه رسید و توسط دفتر نشر فرهنگ اسلامی در سال ۱۳۵۸ این کتاب منتشر شد. خیلی‌ها به من توصیه کردند که چرا ادامه ندادم، چرا جلد‌های بعد برای آن منتشر نکردم و چرا آن را به روز نکردم، ولی کثرت گرفتاری‌ها مانع از این شد که من بتوانم ادامه دهم. من به این کار خیلی علاقه‌مند بودم و کار خوبی هم بود بویژه در آن زمان.

### ■ بعد هم دکترای کتابداری را کسب کردید عنوان تز

### دکترای شما چه بود؟

□ باز هم در رابطه با کتابخانه بود چون در آن زمان من در کتابخانه مجلس بودم، البته موضوع دیگری را انتخاب کردم و می‌خواستیم تقریباً یک کار پیمایشی را شروع کنیم و نظرسنجی و نظرخواهی از کتابخانه‌های مجالس دنیا بکنیم که طرحش را هم ریخته بودم. در آغاز یک‌سری پرسشنامه تهیه کردم، البته شروع کردم که این پرسشنامه را برای بعضی‌ها هم بفرستم منتها یک‌سری، موانع باعث شد که موضوعم را عوض کنم و به شناخت یا بررسی کتابخانه مجلس و ارائه طرحی نوین برای تحول آن تبدیل و در دو جلد تهیه شد و در سال ۱۳۷۷ هم تأیید شد و به تصویب رسید.

### ■ آیا چاپ شده است؟

□ نخیر، متأسفانه چون مصادف با جایجایی بنده از کتابخانه مجلس شد همین طوری باقی ماند. البته از طرف مدیریت بعدی کتابخانه به من پیشنهاد شد، اما نه آن‌ها جدی گرفتند و نه من، ولی خیلی علاقه‌مند بودم، چاپ شود چون کار خوبی بود، بعید می‌دانستم که کس دیگری در این زمینه کار کرده باشد من در اولین سالی که وارد کتابخانه مجلس شدم به مناسبت هفتادمین سال افتتاح رسمی کتابخانه مجلس اولین تاریخچه کتابخانه مجلس را منتشر کردم، ولی چون با عجله بود اسم خودم را هم روی جلد آن ننوشتم و فقط در مقدمه اسمم آمده است.

### ■ چه سالی به کتابخانه مجلس تشریف بردید و تا چند

#### سال مسؤولیت آنجا را بعهده داشتید؟

□ من در سال ۱۳۷۴ حدود آبان ماه رفتم و در سال ۱۳۷۷ هم در مهرماه به دانشگاه تهران برگشتم و در واقع در کتابخانه مأمور با حفظ وظایف آموزشی بودم.

### ■ عمده فعالیت‌هایی که شما در طول تصدی ریاست



کتابخانه مجلس انجام دادید چه بود و آیا توانستید از طرحی که در نظر تان بود، استفاده کنید؟

□ من در دورانی که به مدت ۸ سال نماینده مجلس بودم به خاطر علاقه به کتاب و کتابخانه بویژه چون لیسانس کتابداری هم بودم شاید بیشتر از هر نماینده دیگری به کتابخانه می‌رفتم و به آقای حائری سر می‌زدم، از زحمات آن‌ها تشکر می‌کردم و هر از گاهی نکاتی را به رئیس مجلس یا کارپردازان آن متذکر می‌شدم. در جریان کل مسائل کتاب و کتابخانه بودم حتی یادم هست زمانی که یکی از کتابخانه‌های دانشگاه اصفهان آتش گرفت (فکر کنم کتابخانه ادبیات بود) بنده بعنوان نماینده قوه مقننه برای بررسی و بی‌گیری آتش‌سوزی مأمور شدم تا با جمعی دیگر به اصفهان برویم. فراموش نمی‌کنم که بعضی اوقات که ساعات فراغت خود را در کتابخانه مجلس در این دوران می‌گذراندم چون منزل ما نزدیک کتابخانه بود، می‌دیدم که دانشمند فقید استاد محیط‌طباطبایی با استفاده از دو عصا، نفس‌زنان خود را به کتابخانه می‌رساند و با استاد حائری - حفظه الله - به بحث می‌نشست و من هم از مباحثات آن‌ها استفاده می‌کردم. از مطالبی که هنوز از استاد محیط‌طباطبایی به یاد هست کلمه «قرمیین» بود که نام قدیمی کرمانشاه است، زیرا در آن زمان در مجلس تب تعویض نام و از جمله نام کرمانشاه به باختران مطرح بود. بالاخره و متأسفانه تصویب هم شد و بعد از چند سالی هم دوباره به وضعیت اولیه برگشت. ایشان همان زمان مطرح می‌کرد که اصل کرمانشاه، قرمیین بوده و در تاریخ ما علمای بزرگی به این نام داریم و کرمانشاه اصلاً ربطی به شاه ندارد. نکته دیگر ورود اولین گروه شیعیان دوازده امامی به ایران بود که ایشان مدعی بود که اولین گروه، شاید هم زمان و پیش از آن دسته‌ای که به قم یا قزوین آمدند به ناحیه جبال در اطراف آستانه اراک و به نوعی نزدیک همدان وارد شده‌اند و از ابودلف کرجی (به تعبیر ایشان کره‌رودی) یاد می‌کرد. من این موضوع را جای دیگر ندیدم و خیلی علاقه‌مند بوده و هستم

که آن را تعقیب کنم. باز یادم هست که احاطه علمی و حافظه قوی ایشان مرا بر آن داشت تا به وزیر فرهنگ و ارشاد وقت جناب آقای خاتمی تذکر دهم که چرا برنامه‌ای نمی‌گذارید که به قول معروف این افراد را تخلیه اطلاعات علمی کنید. آن وقت شاید هنوز برنامه‌های مصاحبه‌های علمی که بعضی مجله‌ها مثل کیهان فرهنگی می‌گذارند باب نشده بود و یا در آغاز کار بود. ایشان هم فرمودند که ما بنا داریم چنین کارهایی را انجام دهیم، البته این برنامه‌هایی که توسط کیهان فرهنگی انجام می‌شد و یا می‌شود لازم است، ولی کافی نیست.

قبل از اینکه وارد طرح کتابخانه مجلس بشوم، در ارتباط با تصویب طرح جدید کتابخانه ملی یکی از کسانی که بانی این قضیه بود، در واقع من بودم. من به لحاظ حس مسؤولیت و طرحی را برای ساماندهی مسایل کتاب و کتابخانه بهتر دنبال می‌کردم که بحث کتابخانه ملی مطرح شد و من به اتفاق جمعی که علاقه‌مند به این قضیه بودند در کمیسیون خاصی کار را شروع کردیم و با حضور آقای دکتر نجفقلی حبیبی که یک زمانی رئیس کتابخانه شماره ۲ مجلس بودند و بعد هم نماینده شون، بحث‌های زیادی درباره این مسأله داشتیم که آیا کتابخانه ملی به همان وضعیت باقی بماند که زیر نظر وزارت آموزش عالی بود یا اینکه زیر نظر ریاست جمهوری باشد یا اینکه با کتابخانه مجلس ادغام شود که سرانجام با یک رأی بیشتر تصویب شد که زیر نظر ریاست جمهوری قرار گیرد.

#### ■ طرح جناب عالی چه بود؟

□ طرح کلی این بود که برای کتابخانه‌ها به طور کلی و کتابخانه مجلس یک طرح جدید بدهم و قبل از اینکه این طرح جدید مطرح شود یک سری بحث‌هایی را با بعضی از دوستان از جمله آقای مهندس علی‌محمدی رئیس مرکز مدارک انقلاب فرهنگی وقت و دکتر محمد رجبی که بعداً رئیس کتابخانه ملی شد داشتیم. من می‌خواستم یک مصوبه‌ای در مجلس تصویب شود که اطلاع‌رسانی را تقویت و ساماندهی بکند. در همین گیر و دار بود که جلساتی را ترتیب می‌دادیم و آقای محمد رجبی در ارتباط با کتابخانه ملی طرح‌ها و نظراتی داشتند که مسیر را عوض کرد و به سمت احیای کتابخانه ملی پیش رفت و به این مرحله رسید که چه کنیم کتابخانه ملی را تقویت کنیم تا بتواند با مسائل و مشکلات قوی‌تر برخورد کند. ما تلاش کردیم تا نظر نمایندگان را جلب کنیم، ولی زمانی که این بحث در مجلس مطرح می‌شد می‌گفتند که چه اصراری است ما با این همه مشکلات و مسائلی که داریم به این مسائل پردازیم. نتیجه می‌گرفتند که مسائل کتاب و کتابخوانی نمی‌تواند در اولویت قرار گیرد.

به هر حال اساسنامه کتابخانه ملی تصویب شد و کتابخانه

**وقتی آمدنم به کتابخانه مجلس قطعی شد، گفتم باید اساسنامه کتابخانه تغییر کند. بودجه‌اش عوض شود و نیروی انسانی کیفی استخدام شود**

**یکی از ایده‌هایی که من در ارتباط با کتابخانه مجلس مطرح کردم این بود که کتابخانه مجلس باید غیرسیاسی باشد. درست است که وابسته به مجلس است، ولی باید کار علمی خودش را انجام دهد**

نمایندگان درگیر انتخابات دوره بعد بودند با اینکه من این طرح را بصورت دو فوریتی مطرح کردم، رأی نیاورد. پیشنهاد کردند که آن را یک فوریتی بکنم، ولی قبول نکردم و صبر کردم برای دوره پنجم و طرح را از نو مطرح کردم. خوشبختانه در دوره پنجم طرح به صورت عادی تصویب شد و بر اساس آن کمیسیونی تشکیل شد و قرار شد این طرح تصویب شود. خود بنده هم همه کاره کمیسیون بودم و هر پیشنهادی دادم قبول کردند و قانون کتابخانه مجلس تصویب شد. این یکی از کارهای بزرگی بود که من با وجود مخالفت‌های زیاد توانستم انجام دهم. مخالفت از دو جهت بود، یک جهت از طرف هیأت رئیسه و بویژه کاربرد فرهنگ که می‌گفتند کتابخانه را می‌خواهید از مجلس جدا کنید و در تقویت این فکر کارکنان داخلی کتابخانه هم موثر بودند. کارکنان کتابخانه مجلس اظهار می‌کردند نمی‌خواهند سرنوشتشان از سرنوشت کارکنان مجلس جدا شود و من هرچه می‌گفتم که می‌خواهم کتابخانه مجلس قدرت پیدا کند، استقلال باید بعضی‌ها تحت تأثیر قرار می‌گرفتند و می‌گفتند شما می‌خواهید آن را از مجلس جدا کنید و قدرت آن را از روی کتابخانه بردارید. علی‌رغم این همه مشکلات در این دوره سه ساله این قانون با موفقیت بسیار اجرا شد و در واقع این قانون معادل همان قانونی بود که برای کتابخانه ملی تصویب شده بود.

#### ■ عنوان قانون چه بود؟

□ عنوان دقیق را نمی‌دانم، ظاهراً «قانون اساسنامه جدید کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی» استحضار دارید، قانون قبلی کتابخانه بسیار مجمل و قدیمی بود و عنوان نظامنامه داشت که مربوط به ۷۰ سال پیش بود که در تاریخچه کتابخانه مجلس آمده و کتابخانه در آن زمان فقط ۲۰۰۰ جلد کتاب داشت.

مجلس همچنان به صورت قبلی ماند. بعد از دوره نمایندگی بعضی از دوستانی که در مجلس مسؤلیت داشتند به من اصرار کردند که به کتابخانه مجلس بیا. من گفتم به شرطی می‌آیم که کاری انجام دهم، چون شرایط کتابخانه مجلس را بسیار بد می‌دانستم، این را هم اگر ستایش از خود نباشد باید بگویم که در هیچ کدام از مسؤولیت‌های من در طول عمرم داشته‌ام، هیچ‌گاه خودم دنبال آن‌ها نرفته بودم و این را به این جهت گفتم که اعتقاد دارم همیشه دیگرانی هستند که کارها را انجام بدهند. از طرف دیگر آنقدر کار هست که آدم اگر مسؤولیتی نداشت خودش را با آن‌ها سرگرم کند. این را من به عینه لمس کردم. در هر حال بعد از مدتی اطلاع دادند که جلسه معارفه است. گفتم من که هنوز مشخص نکرده‌ام می‌آیم یا نه؟ در هر صورت دوره سه ساله که من در مجلس بودم پرثمرترین دوران مدیریت من در طول عمرم بود و در عین حال پرزحمت‌ترین و هم پرمشغله‌ترین و خسته‌کننده‌ترین. وقتی آمدنم به کتابخانه مجلس قطعی شد، گفتم باید اساسنامه کتابخانه تغییر کند. بودجه‌اش عوض شود و نیروی انسانی کیفی استخدام شود. اول قول مساعد دادند بعد در عمل گفتند که براساس قوانین مجلس، کارکنان اداری مجلس نمی‌تواند تعدادش بیشتر از دو برابر تعداد نمایندگان مجلس باشد. در حال حاضر هم نیروی انسانی بیش از دو برابر کارکنان مجلس است.

نکته جالب توجه این که هرچه نیروی انسانی کیفی بود جذب بخش‌های روابط عمومی، کارگزینی یا امور قانون مجلس و جاهای مختلف شده بودند و هرچه مانده، رانده و تبعید شده به کتابخانه مجلس فرستاده بودند. در آن زمان هم که من رفتم تعداد کارکنان کتابخانه مجلس ۱۶ نفر بود که بیش از نیمی هم زیر دیپلم بودند. به هیأت رئیسه گفتم قرار بود که به من نیرو بدهید، ولی صراحتاً پاسخ آن‌ها برای افزایش نیرو منفی بود. به هر حال ما هم با مشکلات فراوان چند نیرو گرفتیم و دیدیم که کار پیش نمی‌رود. یکی از ایده‌هایی که من در ارتباط با کتابخانه مجلس مطرح کردم این بود که کتابخانه مجلس باید غیرسیاسی باشد. درست است که وابسته به مجلس است، ولی باید کار علمی خودش را انجام دهد.

#### ■ چقدر از این ایده شما استقبال شد؟

□ من خودم دنبال قضیه بودم، مبارزه کردم، جنگیدم. وقتی که دیدم هیأت رئیسه هم ضمنی قبول دارد، ولی دستش بسته است گفتم که من باید به سمت خود مجلس بروم و طرح جدیدی را پیشنهاد بدهم. نمایندگان هم استقبال کردند و در اواخر دوره چهارم نوبت این طرح رسید تا در دستور کار برود. بعضی از نمایندگان از این طرح دفاع کردند و بعضی‌ها خیلی مخالفت کردند. در اواخر دوره چهارم به خاطر اینکه همه

**اسناد ملی ایران برویم. لطفاً در مورد تجربه تان درباره اسناد بفرمایید که چه مدت در مرکز اسناد بودید و فعالیت‌هایی انجام دادید؟**

□ در اهمیت آرشیو همین بس که بعضی ملت‌ها که سابقه نه چندان طولانی دارند به قدری روی آرشیوشان کار می‌کنند که سرمشق دیگران می‌شوند، کانادا یکی از این موارد است. در کانادا در دانشگاه بریتیش کلمبیا فوق لیسانس کتابداری دو گرایش داشت. یعنی در واقع این دوره ۶۰ واحد دارد که حدود ۳۰ واحدش مشترک بین دو گرایش کتابداری و آرشیو است، ولی از ۳۰ واحد به بعد جدا می‌شود و کاملاً تخصصی می‌شود، یعنی آنقدر به این قضیه توجه می‌شد.

می‌دانید که سازمان اسناد ملی جزو زیرمجموعه سازمان اداری - استخدامی آن زمان بود که امروزه جزو سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی شده است. من در این مدت که در آن جا بودم واقعاً لمس کردم که چه ذخایر ارزشمندی داریم، ولی به دلیل بودجه و اعتبار کم مورد توجه قرار نمی‌گیرد، من تا آنجایی که مقدور بود در گرفتن بودجه سعی کردم. البته زمانی که من در مجلس بودم یک دوره در کمیسیون اداری و استخدامی مجلس بودم و با این سازمان بیشتر آشنا شدم. بعد از اتمام دوره نمایندگی از من خواستند که بروم در مرکز اسناد بعنوان مشاور مشغول بکار شوم. رئیس محترم وقت آقای عباسی مسأله ایجاد پژوهشکده اسناد را مطرح کردند و من دنبال این قضیه را گرفتم و بالاخره پژوهشکده اسناد تصویب شد و خیلی کارها برای این مرکز انجام شد.

ارتباط مرکز اسناد و دانشگاه موجب مطرح کردن بحث آرشیو در دانشکده و برگزار شدن کلاس‌هایی در این مورد در دانشکده گردید.

#### ■ چه مدت در مرکز اسناد بودید؟

□ سه سال البته به صورت نیمه وقت. همه جا من به صورت مأمور بودم و هیچ وقت حاضر نبودم دانشگاه را ترک کنم حتی خود مجلس خیلی اصرار داشت که من به آنجا منتقل شوم. ثمره این آشنایی هم تدوین کتاب مقدمه‌ای به شناخت اسناد آرشیوی شد که انتشارات سازمان سمت چاپ کرد و دیگری کتاب مدیریت آرشیو که من اسمش را مدیریت یادمانه‌ها گذاشتم و بزودی از طرف دانشگاه تهران انتشار می‌یابد.

■ **جناب عالی دو تجربه متفاوت مدیریتی در حوزه نسخه‌های خطی و آرشیو و اسناد داشتید از تجربه خود در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی بفرمایید. چقدر قائل به تفاوت مدیریت این دو حوزه هستید؟**

□ همان طور که می‌دانید تکنولوژی جدید با جذابیت‌هایی



#### ■ **دستاورد قانون جدید چه بود؟**

□ اساسنامه‌ای پیدا کرد در شأن کتابخانه ملی، زیر نظر مستقیم رئیس مجلس، با هیأت امنایی مرکب از شخصیت‌های علمی و فرهنگی مجلس و دو نفر از خارج مجلس، با ردیف بودجه خاص و تشکیلات مجزا و مشخص. از نظر بودجه تا آن سال به زحمت کتابخانه بودجه‌ای کمتر از صد میلیون تومان داشت و آن هم بطور نامشخص و بدون داشتن ردیفی مجزا در اولین سال. من ۸۵۰ میلیون تومان برای کتابخانه در یک سال بودجه گرفتم و جای خرسندی بود که همه‌اش را جذب کردیم. در این دو سه سال ۲۳ جلد کتاب چاپ شد و بهترین کتاب مدینه‌الادب عبرت نائینی و روزنامه مجلس عنوان مهم دیگری بود که چاپ کردیم.

من به دنبال مجوز یک مجله رسمی برای کتابخانه بودم که موافقت اصولی آن را از ارشاد گرفتم و مذاکراتی را درباره انتشار انجام دادم که به نتیجه نرسید. اولین شماره گنجینه بهارستان را ما با کمک آقای محدث منتشر کردیم که متأسفانه در بسیاری از گزارش‌های بعدی که من دیدم اسمی از آن نبردند.

بنده از امتیاز استفاده از سربازهایی که بعنوان نیرو در مرکز فرهنگی کار می‌کنند برای کتابخانه مجلس استفاده کردم و آن را به تصویب رساندم. به هر حال تمام وسیله‌های بالندگی و حرکت بوجود آمد. من سعی کردم که برنامه سال ۱۴۰۰ را در آنجا تصویب کنم تمام مقدمات را چیده بودم، آیین‌نامه‌های داخلی را تصویب کرده بودیم و ۱۰۰ نفر نیروی استخدامی داشتیم.

#### ■ **آیا شما از فعالیت‌های بعدی کتابخانه مجلس مطلع**

**هستید؟**

□ من خیلی توفیق نداشتم که بعداً بتوانم بروم ببینم چه کار کردند و چه کار نکردند.

■ **اجازه بدهید از کتابخانه مجلس بیرون بیایم و به مرکز**

زمینه مرمت هم همین طور. در اشاعه خدمات و دسترس‌پذیری هم کاملاً با هم فرق می‌کنند. مدیر در همه موارد باید مدیر باشد و از ایجاد احساس مالکیت بپرهیزد، اما همین مدیریت ایجاب می‌کند که موفقیت را بسنجد. حساسیت‌ها را درک کند - حفاظت اسناد و نسخ خطی را جدی بگیرد و آن‌ها را از آفات گوناگون ارضی و سماوی و انسانی حتی‌الامکان بدور دارد - اما در عین حال به نیازمندان تشنه پژوهش هم رحم کند و آن‌ها را از بهره‌مندی سیراب کند. جذب و جلب مردم در جهت اعتماد کردن به دارندگان مجموعه‌های خطی برای واگذاری، واسپاری، هدیه و وقف و یا فروش حاوی ظرافت‌هایی است که باید مورد توجه قرار گیرد. تقویم نسخه‌ها ویژگی‌هایی دارد که چنانچه از آن غافل شوند خطراتی را بوجود می‌آورد و نسخه‌های مردم سر از جاهای دیگر در می‌آورد. کار فرهنگی از طریق رسانه‌های جمعی در دو مورد متفاوت است و باید با دقت و ظرافت صورت گیرد. هر یک از این موارد مستلزم بحث‌های جدی فراوانی است که هم دانش در آن دخیل است و هم تجربه.

■ **لطفاً کمی درباره تصویب گرایش جدید مدیریت آرشیو اسناد و نسخ خطی در دوره دکتری دانشگاه تهران توضیح بفرمایید.**

□ خوشبختانه همه اعضای گروه ما (گروه کتابداری) به نسخ خطی و اسناد علاقه‌مندند. من تنها مدافع آرشیو و نسخ خطی نیستم شاید بنا به دلایلی درس آرشیو را من می‌دهم، مقدمات آرشیو در دوره کارشناسی و مدیریت آرشیو (اسناد) در دوره کارشناسی ارشد تدریس می‌کنم. درس نسخ خطی را متأسفانه در طول این چند سال گذشته تنها دوبار تدریس کرده‌ام. یکی در دوره کارشناسی در دانشگاه علامه طباطبایی و یکی هم اکنون در دانشگاه تهران. چون این دروس اختیاری هستند.

■ **یعنی هیچ سابقه آموزشی ندارد؟**

□ هیچ سابقه‌ای غیر از دوره ویژه نسخ خطی که شما هم عضوش بودید و برگزار شد دیگر ندیده‌ام که زمینه‌اش بوجود بیاید. البته ظاهراً استان قدس هم در مشهد یک دوره گذاشته است. علی‌رغم میلی که واقعاً دوستان دارند یکسری محدودیت‌های دست و پاگیر وجود دارد.

■ **چرا این درس همیشه بصورت اختیاری عرضه شده است؟**

□ علل گوناگونی دارد، یک اصطلاح عامیانه است که می‌گویند: «وقت کم است و اعمال بسیار». دوره آموزشی زمانش محدود است و دانشگاه هم اصرار دارد که هر چه زودتر دانشجوی وارد شده و سر موقع از دانشگاه خارج شود. شاید این

که دارد به سرعت افراد، بخصوص قشر جوان را جذب می‌کند رایانه بد نیست، بلکه بسیار هم خوب است و ما باید با تکنولوژی و مسائل آن آشنا شویم، اما این نباید باعث شود که ما از گذشته خودمان غافل شویم و فکر کنیم که چیزی نداریم. اگر با بصیرت به دنیا نگاه کنیم ملاحظه خواهیم کرد که آن‌ها نسبت به میراث خودشان خیلی بها می‌دهند و تکنولوژی را در استخدام میراث باستانی خودشان درآورده‌اند. بعضی از کشورها مثل انگلستان و فرانسه میراث باستانی خیلی قوی‌ای دارند. اما بعضی از کشورها مثل امریکا و کانادا چیزی ندارند که حفظ کنند، ولی همان چیزی را هم که دارند آنقدر با جذابیت نشان می‌دهند که حد و حساب ندارد. من خودم این قضیه را در کانادا با همه وجود لمس کردم یا در سفری که برای شرکت در ایفلا به دانمارک رفتم برای نشان دادن خانه «هانس کرسٹین اندرسون» نویسنده کودکان به آنان، چهار ساعت با کشتی راه پیمودیم. ما باید ضمن توجه به بحث‌های روز به میراث خودمان بها بدهیم و سعی کنیم که از امکانات روز برای معرفی آن‌ها بیشتر استفاده کنیم و هویت خودمان را نشان بدهیم. ضمن این که هویت یک بحث جدی است. وقتی که ما در بحث خودمان از نسخ خطی صحبت می‌کنیم به خاطر اینکه هویت ما در ارتباط با نسخ خطی است. بعضی از کشورها چیزی ندارند، یافته‌هایی را هم که دارند بزرگنمایی می‌کنند و دنیا را متحیر می‌کنند، ولی ما با آنکه چیزهای زیادی داریم، اما نمی‌دانیم چه داریم و گاه از این گنجینه خبر نداریم.

نتیجه این می‌شود که دیگران گنجینه‌های ما را می‌برند. شما شنیدید و هنوز هم می‌شنوید چه بسا نسخه‌های ارزشمندی که در داخل کشور هست به محض اینکه شما می‌خواهید بروید آن‌ها را بخرید، می‌بینید که رفت و سر از خارج درآورد برای اینکه قیمت‌های بیشتری برای خرید آن‌ها اعلام کرده‌اند و من این قضیه را رسماً در هندوستان دیدم. در سفری که به هند رفته بودم یکی از افراد از طرف جمهوری اسلامی ایران به نام آقای دکتر خواجه پیری برایم گفت: یک کتابخانه‌ای را تقویم کردیم و قرار هم گذاشتیم، اما روز بعد که رفتیم گفته بودند که نصف شب دولت انگلستان آن‌ها را برده است چون با قیمت بیشتر خریده بودند.

اما در مورد تفاوت مدیریت بین این دو حوزه، من تفاوت بارزی نمی‌بینم بویژه آنکه کتابخانه‌های خطی ما عموماً در کنار کتاب‌های غیر خطی اداره می‌شوند. خوشبختانه اغلب مراکز خطی ما با تجهیزات ویژه الکترونیکی و الکتریکی هم مجهز هستند. تفاوت مدیریتی اگر باشد نسبت به حفاظت مجموعه و رسیدگی مستمر به آن‌ها بعنوان سرمایه‌های ملی است. بدیهی است دستگاه‌های میکروفیلم‌خوان و یا اسکنرهای مخصوص نسخ خطی و آثار کمیاب با تجهیزات منابع چاپی متفاوت است. در



مانع دیگر تعداد واحدهاست. در این صورت درس‌های دیگری است که به نظر می‌رسد واجب‌ترند. دروس دسته‌بندی شده، پایه، اجباری و اختیاری و انواع و اقسام دیگر باید هر کدام از این‌ها در یک قالب خاصی بگنجد. این است که علی‌رغم علاقه‌مندی دوستان، دست بسته است. از طرف دیگر محدودیت‌های مالی هم وجود دارد، مثلاً دعوت استاد از بیرون گروه را خیلی نمی‌توان انجام داد.

■ همان‌گونه که مستحضرید سابقه تدریس درس آشنایی با نسخه‌های خطی به سال ۱۳۳۹ تا ۱۳۵۱ در گروه کتابداری دانشگاه تهران بازمی‌گردد. طبیعتاً با وجود چنین سابقه درخشانی، امیدی برای برنامه‌ریزی بهتر در گروه برای تدریس این رشته می‌رود؟

□ بله، ولی گنجاندن در برنامه یک مسأله است و امکان ارائه آن مسأله دیگر. حتی اگر کسی علاقه‌مند به تدریس این درس بوده به خاطر پر شدن واحدها نمی‌توانسته تدریس کند. حالاً خوشبختانه باید عرض کنم که در ارتباط با آرشیو این کار انجام شده است. یعنی در سنوات گذشته هم در مقاطع کارشناسی و هم مقاطع کارشناسی ارشد این کار کم و بیش انجام شده است و دانشجویان هم بسیار راضی بوده‌اند که چنین دروسی ارائه می‌شود. گرچه الان در دوره کارشناسی ارشد چندین سال است که مدیریت آرشیو ارائه نشده است.

■ این درس در قالب چند واحد تدریس می‌شده است؟

هم یکی دیگر از عوارض صنعتی شدن است که همانند کارخانه که باید سر وقت هر چیز تمام شود، دانشجو یا دانشکده در دانشگاه باید همانند ماشین کار کنند. مسأله پولی شدن دانشگاه هم مصیبت دیگری است.

نکته دیگر سطح سواد و معلومات دانشجو است. دانشجوی ما قبل از ورود به دانشگاه با میراث فرهنگی و بویژه نسخ خطی و آرشیو کاملاً بیگانه است. چه بسا استادان هم همین‌طور باشند. غلبه تکنولوژی، اینترنت و مانند آن هم مجال فکر به دانشجو را نمی‌دهند. لذا حجم درس‌ها از یک طرف، رغبت استاد و دانشجو از طرف دیگر و جاذبه‌های عصر و زمانه هم بعنوان عامل دیگر سبب می‌شود تا دروسی چون آشنایی با نسخ خطی یا آرشیو، همانند آثار کمیاب، کم مورد توجه قرار گیرند. عزم جدی و تحلیل درست هم در ضرورت بازشناسی آثار گذشته و با استفاده از فناوری‌های جدید هم صورت نمی‌گیرد و یا اگر می‌گیرد گوش شنوایی نیست. از این رو بناچار باید این درس انتخابی باشند و به انتظار تا شاید عده‌ای بنا به دلایلی علاقه‌مند، پیشنهاد ارائه این درس را بدهند.

■ تصور نمی‌فرمایید که با توجه به ایجاد این گرایش لازم باشد تا حداقل در دوره کارشناسی ارشد دو واحد اجباری بعنوان مقدمه در دستور کار قرار بگیرد؟

□ بله درست می‌فرمایید. یک مانع دیگر باز سر راه قرار می‌گیرد و آن طول دوره است، طول دوره مانعی است که مثلاً گفته می‌شود در این سنوات باید دانشجو درسش را تمام کند.



□ دو واحد. اسناد و آرشیو با هم‌اند. در دوره کارشناسی.

#### ■ در کارشناسی ارشد چطور؟

□ دو واحد مدیریت آرشیو.

#### ■ یعنی ۴ واحد در دو مقطع تدریس می‌شود؟

□ بله به صورت اختیاری. نسخ خطی را هم فقط در دوره کارشناسی داریم و در کارشناسی ارشد چیزی در این رابطه نداریم. این است که اخیراً که در بازنگری برنامه‌های آموزشی که به عهده گروه گذاشته شده است در هر سه مقطع این مسائل مطرح شد. خوشبختانه دوستانی که درگیر تنظیم برنامه برای دکترا بودند به محض اینکه این پیشنهاد را شنیدند استقبال کردند. من از دوستان خودم تشکر می‌کنم که با دیدی روشن و درک ضرورت زمان از این موضوع استقبال کردند. چون به هرحال دنیا به مسأله آرشیو و نسخ خطی‌اش بهای فراوان می‌دهد و ما هم باید بها بدهیم. در طرح اولیه گرایش آرشیو نسخ خطی برای دوره دکتری پذیرفته شده است.

#### ■ پیشنهاد از طرف جناب عالی بوده است؟

□ بله از طرف من بود و خوشبختانه دوستان با دید باز استقبال و تأیید کردند، مقداری از شرح درسش را هم من نوشته‌ام و قرار شده از دوستان دیگر هم کمک بگیرم. مهم‌تر از همه این است که زحمت را دوستان و همکاران من در گروه کشیدند تا این گرایش تصویب شود، ولی مثل مصوبات دیگری که در دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد داشتیم مثل درس‌های آشنایی با نسخ خطی و آثار کمیاب که در گذشته بود، هیچ موقعیتی برای ادامه پیش نیامد. اگر قرار باشد در دکتری هم گرایشی بگذاریم، ولی کسی استقبال نکند، خوب این هم به همان سرنوشت دچار می‌شود. همان‌طور که گفتم جاذبه‌های تکنولوژی جدید آنقدر زیاد است که بسیاری از دانشجویان فکر می‌کنند اگر کسی وارد گرایشی که ما تا حال نداشته‌ایم بشود، چیزی را از دست داده است.

#### ■ چون بسیاری از دانشجویان تصور دقیق و مشخصی از

چگونگی ارائه این درس و موضوع نسخ خطی ندارند و از ترس اینکه از قافله تکنولوژی عقب بمانند، وارد این حوزه نمی‌شوند. در حالی که تنها مواد مورد مطالعه و نگرش‌های مدیریتی این حوزه متفاوت است، باید تأکید نمود که تحصیل در این گرایش به معنای تحمیل روش‌ها و دیدگاه‌های سنتی و قدیمی و مغایرت آن با جهان پیشرفته امروزی نیست. بسیاری از این نسخه‌ها هر روز با شیوه‌های جدید تصحیح و چاپ می‌شوند و مورد استفاده قرار می‌گیرند و بسیاری تلاش‌های دیگر. حال

## چون بسیاری از دانشجویان تصور دقیق و مشخصی از چگونگی ارائه این درس و موضوع نسخ خطی ندارند، از ترس اینکه از قافله تکنولوژی عقب بمانند، وارد این حوزه نمی‌شوند. در حالی که تنها مواد مورد مطالعه و نگرش‌های مدیریتی این حوزه متفاوت است

روشنگری و اطلاع‌رسانی این امور به نظر شما وظیفه چه شخص یا گروهی است؟

□ اگر بحث اطلاع‌رسانی باشد به نظر من همه مسؤولیت دارند، هم گروه، هم دانشکده و هم بسیاری از رجال فرهنگی و روشنفکر و ادیب و علاقه‌مند. همه باید نشان بدهند که باید به این میراث بها داد و مثل فرزند خود از آن‌ها حفاظت کرد. چون وزارت فرهنگ و آموزش عالی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هم در این زمینه وظیفه بسیار سنگینی دارند و کتابخانه‌هایی که دارای این مجموعه‌ها می‌باشند نیز مسؤول هستند و وظیفه بسیار سنگینی دارند، ولی نمی‌دانند چگونه این وظیفه را اجرا کنند چون پیوند و تفاهم نزدیکی بین کتابخانه‌ها و دانشگاه‌های ما وجود ندارند. در نتیجه هنوز که هنوز است مشخصاً معلوم نیست که متولی نسخه‌های خطی چه کسی است؟ آیا وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است؟ آیا وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است یا حتی متولی آموزش این رشته دانشکده خاصی مثل ادبیات است یا کتابداری و...؟ همان‌طور که اشاره کردم شناخت نسخ خطی علاوه بر آشنایی با تکنولوژی جدید و علاوه بر آشنایی با وضعیت مدیریتی نیاز دارد که دانشجو و استاد با متون، ادبیات قدیمی، فرهنگ نسل گذشته زبان و ادبیات آن و ادبیات عربی آشنایی داشته باشد. چون تصحیح و شناخت آن‌ها هم بسیار مهم است یا در بعد هنری قضیه بدانند که هنر چیست؟ اگر برای هنر ارزش قائل شود طبعاً برای این‌ها هم ارزش قائل خواهد شد. از دید صنعتی هم می‌شود با قضیه برخورد کرد، چون هنر چرم‌سازی، جلدسازی هم از صنایع‌اند منتها صنایع ظریفه. مسأله مهم این است که ما متأسفانه در این رابطه هم متولی نداریم یا متولی مشخص نداریم. هر کس برای خودش کار می‌کند و از همکاری و تعاون مراکز مشابه بهره نمی‌گیرد. هم‌اکنون چندین مرکز مهم نسخ خطی در کشور داریم. کتابخانه ملی، کتابخانه مجلس، کتابخانه آیت‌الله مرعشی در قم، کتابخانه آستان قدس رضوی در مشهد، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.



چه بسا سیاست‌های این واحدها با هم یکی نباشد، در تربیت نیروی انسانی به جای اینکه با دانشگاه‌ها مرتبط شوند گاه خود به تاسیس دوره دست می‌زنند. البته ممکن است کارشان توجیه هم داشته باشد، ولی همان طور که در سایر حوزه‌ها اعتقاد بر این است که مثلاً صنعت با دانشگاه اگر همکاری کند نتیجه کار بهتر خواهد شد، در اینجا هم اگر مراکز متولی نسخ خطی و آرشیو با دانشگاه هماهنگ شوند و تسهیلات و امکانات را آن‌ها فراهم آورند نتیجه کار بسیار بهتر خواهد شد. می‌دانید که آرشیو و نسخ خطی به تعداد زیادی کار عملی دارد و تجارب عملی بیش از مباحث نظری نقش دارد. در گروه خودمان هم که بحث نسخ خطی مطرح می‌شود بعضی‌ها می‌گویند که تصحیح نسخ خطی به رشته ادبیات وابسته است و فقط جنبه ظاهری آن مثل اطلاع‌رسانی مربوط به کتابداری است. این ممکن است که از یک دیدگاه درست باشد، ولی با عنایت به گذشته می‌دانیم که عموم رؤسای کتابخانه‌ها آدم‌های ادیب و دانشمندی بودند. در حال حاضر هم می‌توان دید که آشنایان با نسخ خطی افرادی ادیب هستند و واقعاً در حوزه ادبیات صاحب‌نظر می‌باشند. ما واقعاً چگونه می‌توانیم قبول کنیم که در گروه کتابداری به جنبه ادبی قضیه توجه نکنیم. یعنی بگوییم نسخه خطی را ما جزو گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی می‌دانیم یا آرشیو را جزو این گروه می‌دانیم، ولی خواندن این سند در آن مهم نیست یا مثلاً ارزشیابی و تقویم کردن نسخه‌ها به حوزه و مقوله دیگری ربط دارد.

■ تصور نمی‌فرمایید که این قابلیت وجود دارد که در گروه کتابداری دانشگاه تهران یا دانشگاه‌های دیگر بتوانیم با ایجاد رشته کارشناسی نسخ خطی و اسناد واقعاً به تمام دقیق و ظرایف از جنبه‌های مختلف کتاب‌شناسی، نسخه‌شناسی، متن‌شناسی و جنبه‌های هنری پردازیم؟  
□ اتفاقاً نکته خوبی را شما فرمودید در گروه کتابداری

مسئله دانشکده شدن سال‌هاست که مطرح شده و می‌شود، نه تنها در گروه بلکه در بین رؤسای دانشگاه‌ها هم مطرح می‌شود حداقل از رئیس دانشگاه تهران خودم شنیدم که اظهار می‌کردند که چرا شما تلاش نمی‌کنید که بصورت یک دانشکده دربیایید. باتوجه به اینکه شما می‌دانید که دانشکده تربیت بدنی قبلاً وابسته به دانشکده علوم تربیتی بود و بعداً مستقل شد و بصورت یک دانشکده درآمد. البته در تربیت بدنی حمایت‌های مردمی و بودجه باعث شد که بصورت دانشکده درآید. اینجا هم وقتی بحث رشته مطرح می‌شود، مسئله نسخ خطی و آرشیو هم به صورت یکی از رشته‌های اصلی مطرح می‌شود، اگر به سابقه گروه کتابداری مراجعه فرمایید در سال ۷۳ طرحی در این رابطه نوشته شد و دقیقاً از سه گروه کتابداری، اطلاع‌رسانی و آرشیو و نسخ خطی نام می‌برد. حتی در آن طرح پیش‌بینی شده بود که مثلاً تا ۵ سال آینده چقدر دانشجو بگیرد چه بصورت کارشناسی و کارشناسی ارشد حتی تا سطح دکتری. منتها به قول یکی از رؤسای دانشگاه تهران عزم جزمی پشت سر این قضیه نبوده و نیست.

#### ■ این آرزو کی به تحقق می‌رسد؟

□ این چیزی است، که علی‌رغم اینکه آرزوی خیلی‌ها هست، ولی من بعید می‌دانم به این زودی‌ها اتفاق بیفتد.

#### ■ موانع را در چه می‌بینید؟

□ موانع بسیار است، یکی از مشکلات خود گروه است که الان مدت‌هاست که تعدادش مثل سابق است و حتی کم‌تر هم شده‌اند. خوب با این تعداد اندک که نمی‌شود دانشکده درست کرد.

#### ■ بله، متأسفانه بسیاری از اساتید در آستانه بازنشستگی قرار دارند.

□ بله، ولی مدیران و اعضای گروه خیلی زودتر از این‌ها باید به فکر این قضیه می‌بودند. همان آفتی را که من برای حامیان نسخ خطی مطرح کردم که پیشکسوتان در نسخه‌های خطی می‌روند و کسی را بعنوان میراث‌دار خودشان بر جای نمی‌گذارند یا نمی‌پرورانند در حوزه کتابداری دانشگاهی هم این اتفاق افتاده، ممکن است شما بنده را هم مقصر بدانید. بله بنده هم شاید به نوعی مقصر باشم، ولی من در این مدتی که از دانشگاه بوعلی همدان به تهران منتقل شدم تقصیرم این بوده که شاید به نوعی از گروه جدا بودم، یعنی هم بودم و هم نبودم. ۸ سال نماینده مجلس بودم ۳ سال تمام در کتابخانه مجلس و یک سال و نیم در کانادا بودم.

به حال این اتفاق افتاده که نیروهای گروه تحلیل رفته و

## پس ما موظفیم که نیروی صالح، با کیفیت، به دردبخور و جوان تأمین کنیم. نیرویی که بتواند تربیت بکند. داعیه‌دار در همه حوزه‌ها باشد، اگر واقعاً خطری برای گروه اطلاع‌رسانی و کتابداری وجود دارد خطر مضاعفی برای نسخ خطی و آرشیو وجود دارد

□ بله. من به عینه دیدم و طبیعی هم هست دانشجویی وقتی که مرکز اسناد و نسخ خطی را ندیده یک تصور دیگری دارد، وقتی دید تصور عوض می‌شود و تصور دیگری پیدا می‌کند حتی دانشجویها وقتی که از برخی از سایت‌های نسخ خطی بازدید کردند بسیار علاقه‌مند شدند و در روحیه‌شان تأثیر گذاشت که واقعاً به این قضیه توجه بیشتری بکنند. همان طوری که شما اشاره کردید وجود این work shopها بسیار خوب است، ولی بودجه می‌خواهد. کار دارد. حمایت می‌خواهد. حمایت خیلی مهم است اگر دانشگاه‌ها هزینه آن را بپذیرند و حمایت کنند که معمولاً خیلی کم حمایت می‌کنند یا بعضی از مؤسسات تخصصی از اساتید فن دعوت کنند بسیار جا دارد.

■ با توجه به اینکه شما فرصت مطالعاتی خودتان را در کانادا گذرانده‌اید، آیا در آنجا هم دانشجویان دوره‌های عالی، آموزش خاصی در رابطه با نسخ خطی و آرشیو می‌دیدند؟

□ بله دقیقاً. من در دانشگاه «مک گیل» بودم که کتابخانه مرکزی آنجا بخش خاصی را به نسخ خطی و آثار کمیاب اختصاص داده بود و با استفاده از بهترین شیوه‌های حفاظتی از آن‌ها نگهداری می‌کرد. علاوه بر آن بخشی تحت عنوان مؤسسه مطالعات اسلامی داشت که دانشجویان را در سطح دکتری تعلیم می‌داد. هم‌چنین این مرکز کتابخانه‌ای بسیار غنی حاوی اغلب کتب اسلامی به زبان‌های مختلف داشت و مسؤول این کتابخانه شخصی به نام «آدام گاجیک» بود. من با آقای «آدام گاجیک» از همان روزهای اول حضورم در آنجا در ارتباط بودم. او آدم بسیار علاقه‌مند، پرکار و دوستدار نسخ خطی فارسی و عربی است و در این زمینه خیلی خوب کار می‌کند. آن طور که خود تعریف می‌کرد ایشان work shopهای بسیار غنی و قوی در سطح دنیا می‌گذارد، بویژه در کانادا نشان داده که واقعاً مردم دنیا به آثار گذشته ولو اگر متعلق به کشور خودشان نباشد سخت توجه دارند. به قول ایشان ظاهراً سه مرکز مهم درباره

به جای آن نیروی انسانی قوی، کارآمد، جوان و به روز ندارد یا کم دارد. ما باید این کمبود را جبران کنیم. این خطری است که گروه کتابداری را تهدید می‌کند. چندین سال است ما می‌شنویم که زمان بازنشستگی استادان فرا رسیده و این یعنی اینکه گروه ممکن است تعطیل شود.

پس ما موظفیم که نیروی صالح، با کیفیت، به دردبخور و جوان تأمین کنیم. نیرویی که بتواند تربیت بکند. داعیه‌دار در همه حوزه‌ها باشد، اگر واقعاً خطری برای گروه اطلاع‌رسانی و کتابداری وجود دارد خطر مضاعفی برای نسخ خطی و آرشیو وجود دارد، برای اینکه بیشتر افراد علاقه‌مند به فناوری‌های جدید و تکنولوژی‌اند و در بازار کار ممکن است سریع جذب شوند و شروع به فعالیت بکنند، اما اگر بحث نسخ خطی مطرح می‌شود کسی نیست حمایت کند. شما کافی است به پایان‌نامه‌هایی که تصویب و دفاع می‌شود، نگاه کنید. ابتدا درباره نسخ خطی یا حوزه‌های مرتبط با آن نیست. در آرشیو هم به زحمت شما می‌توانید پایان‌نامه‌ای بیابید. بیشتر پایان‌نامه‌ها به سمت فناوری‌های جدید، «وب» و امثال آن است. در حالی که به نظر من اگر مسائل درست تبیین شود و حمایت‌هایی هم از جانب مدعیان و حامیان نسخ خطی بشود، زمینه‌هایی بسیار خوب و بکری می‌توان یافت تا دانشجویان بتوانند از آن بعنوان پایان‌نامه استفاده کنند. بحث ارتباط دانشگاه و صنعت را بیشتر دانشکده‌های فنی مهندسی مطرح می‌کنند، آن‌ها به جد دنبال قضیه هستند و سعی می‌کنند با صنعت ارتباط تنگاتنگ داشته باشند. اینجا هم با آن مراکز که مراکز خطی هستند و شاید امکانات خوبی هم داشته باشند باید مرتبط باشند و ارتباطشان قوی و صمیمی باشد.

■ شاید به همین خاطر است که فضای تدریس نسخه‌های خطی مثل سایر رشته‌ها تنها نباید در سر کلاس درس و با جنبه‌های تئوری و انتزاعی مطرح شوند و همین امر باعث شده دانشجویها کمتر استقبال کنند. به نظر می‌رسد که باید کلاس‌ها به شکل کارگاه‌های عملی مثلاً در کنار مخزن خطی و کتابخانه تشکیل شود تا آن‌ها بتوانند نسخه‌ها را از نزدیک ببینند استفاده کنند. درواقع با همان فضای استاد و شاگردی واقعی کار کنند و مستقیماً با خود نسخه‌ها سروکار داشته باشند. حال با توجه به ضرورت شناخت بیشتر انواع نسخه‌های خطی و نیاز جامعه و نیز تسهیلات و تکنولوژی مدرن امروزی تصور نمی‌فرمایید که کارگاه‌های آموزشی مجهزی بتوان راه‌اندازی کرد. مثل آنچه که در کشورهای دیگر جهان اتفاق می‌افتد که کلاس‌هایی بصورت تجربه کوتاه مدت آموزشی باشد و کتابداران علاقه‌مند سواى درجه و تحصیلاتی که دارند در آن شرکت کنند و با جنبه‌های مختلف نسخ خطی آشنایی پیدا کنند؟



نسخ خطی اسلامی ایرانی کار می‌کند که یکی از آن‌ها دانشگاه «مک گیل» است. ایشان با وجود اینکه فرد لهستانی است و عربی می‌داند با دقت و ظرافتی فراوان به زمینه‌های تاریخی و بعد زبان‌شناسی و نسخه‌شناسی توجه دارد. در درس‌هایی که من برای کارشناسی ارشد و دکتری پیشنهاد داده‌ام یکی از آن‌ها ادوارشناسی است، یعنی چگونه می‌توان در دوره‌شناسی متون تاریخی کار کرد.

در هر حال ایشان علاقه‌مند به آثار ایرانی و اسلامی است. کتاب‌های تازه چاپ شده ایران از جمله کتابخانه‌هایی مثل مجلس سریع از طریق مؤسسه‌ها یا مستقیماً به دست ایشان می‌رسید. از نامه بهارستان خیلی استقبال می‌کرد. یک CD در ارتباط با مجموعه خطی که در آنجا دارند به چند زبان فرانسه، انگلیسی و عربی درست کرده بودند که ایشان با دانشکده کتابداری آنجا همکاری کرده بود. هر دفعه من به ایشان مراجعه می‌کردم می‌دیدم که با چه دقت و وسواسی جلد‌های تذهیب شده و زیبای جدیدی را اسکن کرده بود و با هم مقایسه می‌کرد و پیوسته در تحقیقات جدید بود. این‌ها نشان می‌دهد که بدون علاقه، عشق و اعتقاد نمی‌شود کار کرد.

#### ■ آیا در کشورهای اروپایی یا آمریکا رشته دانشگاهی در

این حوزه وجود دارد؟

□ عرض کردم دانشگاه بریتیش کلمبیا یک رشته آرشیو و اسناد در مقطع کارشناسی ارشد دارد.

#### ■ به نظر شما چه تغییراتی باید در مدیریت آرشیو و نسخ

خطی ما صورت گیرد؟

□ قوانین و سخت‌گیری‌های استفاده از نسخ خطی باید آسان‌تر شود. می‌توان در عین توضیح اینکه چرا این قوانین را اعمال می‌کنند تسهیلاتی را هم برای مراجعه‌کنندگان در نظر گرفت. در آنجا من هر وقت می‌خواستم نسخ خطی را در اختیار

من قرار می‌دادند. اما در اینجا شاید قضیه فرق کند، البته شاید الان نسبت به گذشته شدتش کم شده باشد که بعضی‌هایی که واقعاً فکر می‌کنند چون مجموعه نسخ خطی در اختیار آن‌ها هست، مالک آن‌ها هستند. در حالی که باید بدانند که بعنوان مدیر آنجا کار می‌کنند بین مدیر و مالک خیلی فرق هست، بین کسی که می‌گوید: من مالکم کسی حق ندارد استفاده بکند، با کسی که می‌گوید نه من مدیرم تا استفاده درست و بهینه شود، من نمی‌گذارم مواد از بین برود، ولی می‌گذارم فرد علاقه‌مند از محتوا اطلاع پیدا کند به هر طریقی که امکان دارد. از طریق اسکن و میکروفیلم یا طرق دیگر به نظر من میکروفیلم و وجود آن و گسترش آن بسیار اساسی است. در همین سمینار بزرگداشت آقای اشکوری پیشنهادی داده شد که همه مراکز دارنده نسخ خطی یک نسخه از موجودی خود را به مرکز دیگر بدهد. من پیشنهاد کردم که عملی‌تر این است که مرکزی درست شود که با گرفتن فیلم همه مراکز به متقاضیان سرویس دهد، بدون اینکه اصل نسخه مطرح باشد. یکی از اهداف من در کتابخانه مجلس در آن زمان این بود که یک طرحی تصویب شود که طبق آن همه مراکز را به هم دیگر مرتبط بکند. ضمن این که ممکن است به صورت کتابخانه مجازی باشد هر کسی دارنده نسخه‌های خطی خودش باشد بحثی نیست، اما یک جایی باشد که سرویس و اطلاعات بدهد، راهنمایی و کمک کند تا شما در اسرع وقت به مقصودت برسی و اطلاعات را دریافت کنی. حتی پول هم بگیرند، ولی مانعی بر سر راه مطالعه و بررسی نباشند. ما منابع خیلی زیادی داریم که خیلی کم تصحیح شده‌اند اگر هم تصحیح شده باشد در حوزه خاصی است، یعنی بیشتر حوزه‌هایی است که در جامعه خریدار دارد. مثلاً آثار حافظ تصحیح شده است، نمی‌گوییم بد است، بسیار هم خوب است اما همه که نباید در یک حوزه باشند باید در حوزه‌های گوناگون دسته‌بندی و مدیریت شوند و متخصصان در موضوعات گوناگون کار کنند. اهمیت نسخ خطی ما به این است که با شناخت آن گذشته ما روشن می‌شود و ما احساس می‌کنیم که کسی بودیم و کسی هستیم و هویتی داریم. به قول استاد حائری مسأله، مسأله تاریخ علم است، ما تاریخ علم نداریم و اگر بخواهیم تاریخ علمی تدوین بکنیم یکی از راه‌های این است که این کار را انجام دهیم، یعنی نسخه‌ها را فهرست کنیم، بشناسیم و تصحیح و ترجمه کنیم.

اخیراً طرحی را شروع کرده‌ام که شاید بتواند پیش زمینه‌ای برای تدوین تاریخ علم اسلامی و شیعی باشد. اولین بخش آن تحت عنوان حیات علمی در عهد آل بویه توسط دانشگاه تهران چاپ و منتشر شد. حیات علمی در عهد صفویان کارش تمام شده است. برای دولت‌های فاطمی، حمدانی و مانند آن نیز قرار است کارهایی انجام شود. به طور قطع این مجموعه پس از چاپ

هم باید دوباره مورد تجدید نظر و اصلاح قرار گیرد.

## قوانین و سخت‌گیری‌های استفاده از نسخ خطی باید آسان‌تر شود. می‌توان در عین توضیح اینکه چرا این قوانین را اعمال می‌کنند تسهیلاتی را هم برای مراجعه‌کنندگان در نظر گرفت

■ در دوره خاص نسخ خطی دانشگاه تهران دانشجویان یک یا تخصص‌های مختلف آمده بودند. ولی بیشتر ما در کتابخانه کار نکرده بودیم. من خودم از رشته ادبیات آمده بودم و زمینه قبلی هم در کتابداری نداشتم. البته آن دوره کاملاً با این گرایش فرق می‌کند. دانشجویان در آن دوره در طول ۳ سال با ۶۷ واحد جذب و تربیت شدند همه خالی‌الذهن بودند. آمدند و از اول ساخته شدند. ابتدا دروس پیش نیاز را گذراندیم و بعد عملاً فهرست‌نویسی کردیم و از نزدیک همه چیز را از اساتید آموختیم، ولی این دوره یک گرایش تخصصی و بیشتر مدیریتی است و چون یک سوی آن در کتابداری و اطلاع‌رسانی است می‌بایستی بطور دقیق خود را با تعداد واحدهای محدود آن تطبیق دهد. بنابراین فکر می‌کنم نباید با آن دوره مقایسه شود، این دوره بیشتر نظری و تحلیلی است. اگر قرار باشد در سال‌های آتی این دکتری در دو گرایش برگزار شود آیا نباید در تدوین سؤالات امتحان ورودی بخشی هم به نسخ خطی اختصاص داده بشود. هر چند که دانشجویان از ابتدا گرایش خود را انتخاب نمی‌نمایند.

□ بطور قطع باید همین‌گونه باشد، امیدوارم در یکی دو دوره بتوانیم تجربه خوبی بدست بیاوریم و در صورت تصویب قطعی و نهایی سؤالات باید حتماً از هر دو زمینه باشد و افراد شرکت‌کننده باید شانس مساوی داشته باشند که بتوانند در این گرایش شرکت کنند. این نکته را هم من باید اضافه کنم که درست است که گرایش آرشیو (نسخ خطی) است، اما باید در سطح بالای مورد انتظاری که لازمه دوره دکتری است با آن برخورد بشود، یعنی انتظار انجام امور جزئی و بسیار ریز را نباید داشت که طبیعتاً خیلی بعید و دور از انتظار نیز خواهد بود. ولی امیدوارم به گونه‌ای ساماندهی شود که مسائل و مشکلاتی که در این حوزه وجود دارد، شناسایی و راه‌حل‌های مناسبی در سطح مدیریت کلان برای آرشیو و نسخ خطی مطرح شود. دانشجویان بعنوان مدیر بتوانند تحلیل خوبی از مسائل این حوزه داشته

■ لطفاً توضیحات بیشتری در مورد دوره گرایش مدیریت آرشیو، اسناد و نسخ خطی بفرمایید. چند واحد در این دوره ارائه می‌شود و شامل چه دروسی است؟

□ دوره دکتری هم همانند دوره‌های دیگر با محدودیت واحد مواجه است و اخیراً هم بخشنامه آمده بود که باید واحدها کم بشود. البته کم شدن تعداد واحدها در دوره دانشگاهی خبر خوبی است، اما قضاوت جامعه و تاریخ در مورد محصولاتی که ما در اثر این واحدهای کم بیرون می‌دهیم چه خواهد بود؟ در هر حال باتوجه به گرایش‌های تعریف شده در دوره دکتری دو گرایش مدیریت آرشیو و نسخ خطی و مدیریت اطلاعات مطرح شده است و هر کدامشان علاوه بر دروس اجباری که ۱۰ واحد می‌باشد ۸ واحد جداگانه دارند. یعنی ۱۰ واحد اجباری دارند که بین دو گرایش مشترک هست و ۸ واحد هنوز قطعی نشده است، اما موضوعاتی را درباره متن‌شناسی، بررسی ویژگی‌های هنری و حفظ و مرمت اسناد و چگونگی بهره‌گیری تکنولوژی در نسخ خطی دربر خواهد گرفت.

■ آیا اساتیدی برای این منظور که بتوانند در آن سطح کیفی مورد نظر تدریس کنند، دعوت خواهید کرد؟

□ به هر حال روی این موضوع بحث می‌شود، بعضی از دوستانی را هم که از آثارشان بعنوان منبع درسی این دروس استفاده کردیم در نظر گرفتیم تا با آن‌ها در صورت همکاری دانشکده، مذاکره بکنیم. یا اینکه بعضی از درس‌ها را اگر واقعاً امکان‌پذیر نباشد به صورت تدریس گروهی (Team Teaching) ارائه بکنیم که چند نفری در فواصل مختلف بیایند و تجربیات و اطلاعات خودشان را منتقل بکنند تا ان شاءالله این دوره بارور شود.

■ به نظر می‌رسد باتوجه به اینکه در این سطح تا به حال درسنامه‌ای جهت تدریس به شکل مدون در اختیار تان نبوده ممکن است مشکلاتی داشته باشید بویژه در تدوین سرفصل‌ها، شروع و مواد درسی آیا راهکار خاصی برای این کار دارید؟

□ به هر حال این آغاز کار ماست و منابعی هم که وجود دارد، داخلی یا خارجی باید مورد استفاده قرار گیرد. ما متأسفانه آن قدر نسبت به این موضوع کم بها داده‌ایم و کم توجه کرده‌ایم که من فکر می‌کنم اگر از مقدمات شروع کنیم باز هنوز جا دارد. کسانی که می‌آیند در این حوزه احساس می‌کنند چیزهای تازه‌ای فرا گرفته‌اند، به هر حال زمینه کاری خیلی زیاد است. باید چند دوره‌ای بگذرد و افرادی تربیت بشوند تا سطح این دوره بالا کشیده شود.

است باید بتوانیم به یک وفاق و هماهنگی برسیم که با اعتبارات محدود، اهداف جهت‌داری دنبال کنیم هنر این است که از نیروی انسانی، اعتبارات و زمان کم واقعاً خوب استفاده شود. یکی از نکاتی که همیشه در مدیریت مطرح است این است که وقتی مدیران ما عوض می‌شوند از خودشان چیزی بر جا نمی‌گذارند، می‌روند و مدیر بعدی که می‌آید می‌گوید چیزی نبود و ما همه چیز را از نو ساختیم.

### ■ دلیل این امر این نیست که مدیریت‌های امروزی قائم به فرد است؟

□ یکی از دلایل این است، قائم به فرد بودن یعنی چون ما برنامه نداریم و اعتقاد به برنامه داشتن هم نداریم و این یک مسأله فرهنگی است یا به تعبیر بهتر ضد فرهنگی. من همین قضیه را در جریان تغییر و تبدیل همین مدیریت جدید دولت با یکی از وزرای قبلی مطرح کردم. در یک جلسه‌ای گفتیم که من طرحی دارم و طرح این است که بخشنامه‌ای از جانب بزرگ‌ترین مقام اجرایی کشور به همه مدیران و حداقل تا سطح مدیر کل صادر شود که به آن‌ها بگوید شما وقتی که مدیریت را تحویل می‌گیرید اولاً در حوزه مدیریت خودتان حتماً باید یک گزارش مضبوطی از کارهایی که انجام شده است را داشته باشید. دوم اینکه بدون داشتن برنامه مصوب هرگز کاری را انجام ندهید و سوم اینکه وقتی که مدیر بعدی آمد این‌ها را به طور دقیق تحویل او بدهید که او بداند تا کجای کار را شما انجام داده‌اید و از کجا به بعد بعهده اوست. حالا ممکن است شما بفرمایید که این یک بحث مدیریتی است و به آرشیو و اسناد چه ربطی دارد، اما اگر واقعاً توجه بکنیم که آرشیو، حاصل کار و گزیده تمام فعالیت‌های اداری سازمان‌های مختلف است و این موضوع را جدی بگیریم این بعنوان یکی از بزرگ‌ترین ابزار مدیریتی در کشور محسوب می‌شود و بکار می‌آید. یعنی امکان ندارد یک مدیر، مدیر خوبی باشد بدون اینکه بداند چه چیزی در گذشته بوده و چه کارهایی انجام شده است. بنابراین نباید تصمیم بگیرد، الا اینکه گزارش کاملی از وضع موجود داشته باشد، اصلاً تصمیم‌گیری منهای اطلاع، تصمیم‌گیری نیست و متأسفانه ما در مدیریت در بسیاری از جاها فکر می‌کنیم که معمولاً مدیر، مدیری است که در شرایط بحرانی از خودش ابتکار به خرج بدهد. در حالی که مدیر کسی است که برای تصمیم‌گیریش بگوید اطلاعات چیست؟ اگر اطلاعات نبود باید افراد را تویخ کند که چرا اطلاعات ندارید یا اگر اطلاعات نبود باید بگوید که آقا من نمی‌توانم تصمیم بگیرم.

### ■ به طور قطع برای جمع‌آوری آن اطلاعات نیازمند یک آرشیو و سابقه کار کامل و خوب هستیم.



باشند و راه نشان دهند، راهی که از سوی کسی باشد که خودش هم کم و بیش آشنا به موضوع است نه اینکه از دور دستی بر آتش داشته باشد، یعنی آشنا بشود و با این نیت بتواند مدیریت و حل مشکل بکند نه اینکه فقط مثل یک فهرست‌نویس برود یک گوشه و فهرست‌نویسی بکند. این کار او نیست کار یک متخصص و دکتر که صاحب‌نظر است و دربارهٔ چگونگی حفظ و نگهداری راهکارهای جدید ارائه می‌کند و به بهترین شکل ممکن تصمیم می‌گیرد.

### ■ به طور قطع از نظر صاحب‌نظران و اساتید این حوزه در تدوین سرفصل‌ها و دروس استفاده خواهید فرمود. □ بله، حتماً.

### ■ بیشتر منابع و اطلاعات نسخه‌های خطی در کتاب‌ها و حافظهٔ خود این اساتید است و تقریباً جایی ثبت نشده است، بلکه باید با دعوت آموزش از آنان خواست تا آن اطلاعات را که خود نیز بصورتی تجربی و در طول سال‌ها آموخته‌اند بیان کنند تا تدوین شود و باقی بماند.

□ بله، به هر حال کار ثبت تجربیات بسیار مهم است. یکی از مباحث آرشیو تاریخ شفاهی است و این بدین معناست که کتابدار، متخصص اسناد و... باید بروند به سمت جذب و کسب اطلاعاتی که درون سینه‌هاست و نگذارند که این اطلاعات از بین بروند و سعی کنند که آن‌ها را حفظ کرده و تدوین کنند و خلأهای موجود در بین یافته‌ها را پر کنند. این کار، امر مهم و زمان‌بری است و نیاز به مدیریت دارد. ما خوشبختانه در کشورمان سازمان‌های گوناگونی داریم که مراکز اسناد راه انداخته‌اند و مایهٔ خرسندی است که این همه سازمان وجود دارد. اما گاهی دوباره کاری یا چند باره کاری انجام می‌گیرد که برمی‌گردد به مدیریت کلان کشور و هزینه‌هایی که صرف می‌شود.

ما واقعاً در مسائل فرهنگی که مهم است و کنترلش سخت

## طرح «طبقه‌بندی دودویی» درباره علوم است که مبنایش آیه‌ای از آیات قرآن است که همه معرفت و شناخت انسان را از دو مسیر آفاق و انفس تعقیب می‌کند و به همین طریق بصورت دودویی تقسیم می‌شود، نام آن را طبقه‌بندی دودویی جهانی «UBC» گذاشته‌ام

داشتیم در جاهایی که این کار را انجام می‌دادند. نسخه‌ای هم استاد حائری به من معرفی کردند که من آن را تصحیح کردم و در گنجینه بهارستان چاپ شد. این نسخه رساله‌ای است مربوط به قرن ۵ هجری از فردی ناشناس تحت عنوان فضل‌الشیاب و تقدمهم علی کثیر منهنم ذوالاسنان که هم مشکل بود و هم موضوع خوبی داشت و در عین حال موضوعش موضوع روز است، عنوان می‌گوید: «برتری جوان‌ها و تقدمشان در اجرای امور بر بسیاری از کسانی که دارای سن زیاد هستند» که در واقع با وضعیت کشور ما خیلی سازگار است.

### ■ آیا آن را به فارسی هم ترجمه کرده‌اید؟

□ به زبان عربی است، ولی ترجمه نکرده‌ام خیلی دلم می‌خواست ترجمه‌اش کنم و رویش کار بکنم یکی از کارهایی است که بالاخره آن را باید انجام داد، البته یک نسخه خطی در موضوع آیات الاحکام که در اختیار خود من بود و الان آن را در اختیار کتابخانه مجلس گذاشتم و امانت در دست آقای حائری است و این کتاب ظاهراً باید مال این ابی‌جمهور در قرن ۸ باشد. خیلی دلم می‌خواهد روی این کتاب کار کنم و آن را تصحیح کنم.

### ■ شنیده‌ایم طرحی هم در زمینه طبقه‌بندی کتابداری دارید ممکن است در این باره توضیح فرمایید؟

□ بله. یک طرح «طبقه‌بندی دودویی» درباره علوم است که مبنایش آیه‌ای از آیات قرآن است که همه معرفت و شناخت انسان را از دو مسیر آفاق و انفس تعقیب می‌کند و به همین طریق بصورت دودویی تقسیم می‌شود. در آن طرح اظهار امیدواری کرده بودم که بر این مینا یک طرح طبقه‌بندی برای کتابداری و اطلاع‌رسانی تهیه کنم. در کانادا در مدت فرصت مطالعاتی‌ام روی این موضوع کار کردم و سرانجام جواب و

□ بله اولاً باید مدیر افراد قوی داشته باشد که تحت تعلیم باشند، هم‌چنین بایگانی‌ها و آرشیوها مرتب و طبقه‌بندی شده باشند تحلیل رویش گذاشته شود. در مسائل علمی هم همین‌طور است ما هر کاری که می‌خواهیم بکنیم اگر سابقه کار را در نظر نگیریم، هیچ کاری را نمی‌توانیم بکنیم، در خیلی از کارهای تحقیقاتی می‌بینیم کارها موازی انجام می‌شود در کار دانشگاهی این پایان‌نامه با پایان‌نامه دیگری مشابه است و هم‌پوشانی دارد. حالا ممکن است همه‌اش تکراری نباشد، ولی بخشی‌اش امکان دارد که تکراری باشد. این‌ها به این معناست که ما در مدیریت اطلاعات و مدیریت سازماندهی اسناد خودمان واقعاً نقص داریم، پیشینه نداریم، یا به آن توجه و تحلیلش نمی‌کنیم، مدیرش را قوی نمی‌کنیم. مدیرش باید مدیر مطلع و کار آشنا باشد واقعاً مدیریت بلد باشد. اطلاعات اگر منظم و سازمان یافته نباشد، اگر که هم‌پوشانی‌هایش از بین نرود به چه دردی می‌خورد. دنیا اگر تصمیم می‌گیرد براساس اطلاعات دارد تصمیم می‌گیرد، تحقیق و توسعه یعنی همین. تحقیق یعنی چه؟ اساس آن اطلاعات وضع موجود است، پالایش و پردازش اطلاعات اساس تحقیق است. هر جا هم که اشتباه می‌کنیم به خاطر این است که اطلاعات ناقص است. بنابراین اطلاعات بعنوان ابزار است و اینکه این اطلاعات از کجا می‌تواند سازمان یافتگی خود را نشان بدهد؟ یا مراکز اسناد یا کتابخانه‌ها یا مراکز اطلاعات علمی. اگر تمام این مراکز را نگاه کنید می‌بینید به نوعی مرتبط با حوزه اطلاع‌رسانی و کتابداری است و ما باید کتابداری و اطلاع‌رسانی را در همه ابعاد گسترش بدهیم. من فکر می‌کنم اگر کسانی که در کتابداری فعالیت می‌کنند، ولی تخصص ندارند حداقل بیایند دوره‌ها و کارگاه‌هایی را ببینند. ما باید برای همه مدیران کارگاه‌هایی را در سطح کشور تبیین و تعریف کنیم.

### ■ آیا جناب عالی در زمینه تصحیح نسخ خطی هم تجربه‌ای داشته‌اید؟

□ باید عرض کنم که من هیچ ادعایی در زمینه نسخ خطی یا تصحیح ندارم، الا اینکه دوستدار آن هستم. من ادعایی ندارم، ولی واقعاً هم علاقه‌مندم به این کار و هم به کسانی که در این زمینه صاحب نظر هستند و کار می‌کنند. برایشان احترام قائلم و دوست دارم نسلشان منقرض نشود و پایدار بمانند و نسل جوان را هر چه بیشتر با کارهایشان آشنا کنند تا اینکه ما واقعاً به هویت واقعی خودمان آشنا شویم. منتها این بدین معنا این نیست که علاقه ندارم به این کار، این یک کار تجربی است که باید سال‌ها کارکرد و وقت گذاشت و من فرصت کافی نداشته‌ام تا در این حوزه غور کنم. من شخصاً کار درخوری انجام نداده‌ام، مگر اینکه فقط حضور

الذریعه از مرحوم آقابزرگ تهرانی آثار ایشان را جست‌وجو کردم، وی از ایشان تحت عنوان ملا اسماعیل یاد می‌کند.

#### ■ جد پدری شما بود.

□ بله با ۳ فاصله جد پدری‌ام هست. ایشان فرد عارف، فقیه، اصولی و بسیار مورد اعتماد مردم بود و الان هم در نورآباد شهر اراک مقبره‌اش به اصطلاح زیارتگاه است و افراد به او اعتقاد دارند. به هر حال فرد بسیار برجسته‌ای بود و نسخ خطی زیادی شاید در حدود بیشتر از ۲۰ جلد دارد.

#### ■ آیا این نسخ خطی تاکنون حفظ شده است؟

□ بله اکثراً هست. حضرت حاج آقا رضای استادی استاد حوزه علمیه قم خیلی بی‌گیر قضیه است و چندین بار به خود من و دوستان پیشنهاد داده‌اند که فکری برای تصحیح بشود. بسیاری از این نسخه‌ها در کتابخانه مسجد اعظم قم است. از آثار ایشان یک کتابی تحت عنوان جنات النعیم فی احوالات حضرت عبدالعظیم است که بعد از کتابی که ظاهراً منسوب به شیخ طوسی در رابطه با احوال حضرت عبدالعظیم می‌باشد، این دومین کتابی است که خیلی مهم است و اخیراً هم تصحیح شده و از سوی آستانه مبارکه حضرت عبدالعظیم منتشر شده است و ظاهراً مجموعه شعری دارد که بیش از هزار بیت است و از کتاب‌هایی که ایشان دارند، اگر بخواهید خدمت شما عرض می‌کنم.

#### ■ قصد تصحیح این آثار را دارید؟

□ بله امیدوارم، نام کتاب‌های ایشان را اگر خدمت شما بخوانم بد نیست: ینایح البراهین فی تحقیق الحق البقین، الاشعة البدیة فی شرح الجعفریة، الفیوضات القدسیة فی شرح الرسالة المجلسیة، قرۃ العین الناظرة فی شرح کتاب التبرۃ که از علامه حلی است، معیار التمییز در شرح و جیز از علامه محمد باقر مجلسی، صحیفۃ الشعر، کتاب کفایة الطالب در شرح مختصر منتهی السؤل و العامل در اصول فقه که از ابوبکر عمر فرزند عثمان است که ایشان شرح نوشته‌اند. کتاب دیگری القساطیس المستسطه فی القوانين المستنبطة و کتاب دیگر شرح النظام از علامه محمدبن الحسن الحرالعاملی است که در تاریخ زندگی رسول اکرم و ائمه معصومین هست که ایشان شرح کرده‌اند و رساله الغین و رساله الزنا المحصنة. من پیشنهاد می‌کنم جا دارد که یک سمینار گونه‌ای در ارتباط با ایشان برگزار شود. آقای استادی هم این قضیه را تأیید می‌کردند.

■ با تشکر از شرکت جناب عالی در این گفت‌وگو و فرصتی که مهیا فرمودید.

یکی از مباحث آرشیو تاریخ شفاهی است و این بدین معناست که کتابدار، متخصص اسناد و... باید بروند به سمت جذب و کسب اطلاعاتی که درون سینه‌هاست و نگذارند که این اطلاعات از بین بروند و سعی کنند که آن‌ها را حفظ کرده و تدوین کنند و خلاهای موجود در بین یافته‌ها را پر کنند

نتیجه داد. نام آن را طبقه‌بندی دودویی جهانی «UBC» گذاشتم. این طرح هم به زبان عربی مقاله‌اش در مجله آفاق الحضارة الاسلامیة چاپ شده و هم به زبان انگلیسی در مجله CCQ و هم به زبان فارسی در مجله دانشکده ادبیات. با اظهارنظری که دوستان صاحب‌نظر کردند گفتند که زمینه‌اش را دارد که یک چیز بالنده‌ای دربیاید منتهی احتیاج به زمان دارد. نشان می‌دهد که وراى این همه تحقیقاتی که الان در دنیا مطرح هست و این همه پشتوانه‌های سیاسی و اقتصادی حکومتی و مالی دارند جاهای دیگر هم می‌توانند طرح‌های جدیدی بدهند. این طرح‌ها اگر بیشتر از طرح‌های دیگران نباشد کمتر از آن‌ها هم نیست. چون من در کانادا که آن را مطرح کردم و در چندین جلسه برای آن کنفرانس دادم خیلی استقبال کردند، منتهی یکی از اساتید آنجا گفت فکر نکنی که از فردا طبقه‌بندی کنگره را کنار می‌گذارند و طرح شما را می‌پذیرند. من هم در جواب گفتم همین که در تاریخ ثبت بشود و بگویند که یک چنین طرحی هم بوده کفایت می‌کند. البته این یک کار جمعی است و واقعا احتیاج به بودجه عظیمی دارد که اگر کمک بکنند، امیدوارم روی مباحث بنیادی و پایه هم یک سری کارهایی انجام شود.

#### ■ گویا جناب عالی قصد ساماندهی و تصحیح نسخ خطی و

انتشار آثار جدتان حاج میرزا اسماعیل را دارید؟  
□ در رابطه با شخصیتی که شما فرمودید. در واقع مرحوم حاج ملا محمداسماعیل، یک شخصیت برجسته علمی است اتفاقاً روز هفتم ذی‌قعدة هم سالروز وفاتش است و تا آنجایی که به من اطلاع دادند در شبکه رادیو معارف از ایشان یاد و تجلیل کردند. تولد ایشان در سال ۱۳۸۴ هـ. ق بود و وفاتش هم در سال ۱۴۶۲ هـ. ق می‌باشد. اسمش محمد اسماعیل هست و در چندین جا من از آثار ایشان دیدم و خودم هم امروز در مجلدات